





ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## معرفی و بررسی کتاب سیمای عرفانی و دینی مولوی در آینهٔ مثنوی معنوی

پیام صدریه

عنوان کتاب: سیمای عرفانی و دینی مولوی در آینهٔ مثنوی معنوی

نویسنده: دکتر حسین رزمجو، استاد دانشگاه فردوسی مشهد

مشهد، سخن توس، ۱۳۸۶

پیام صدریه

۱۲۵

در میان آثار مکتوب ایرانیان از قرن چهارم به بعد کمتر اثری را می‌توان یافت که بهره‌ای از قرآن و کلام معصومین نبرده باشد. (شهیدی، ۱۳۸۸، النهج، ۵۹)

مولانا جلال‌الدین محمد رومی شاعر و عارف نامی قرن هفتم هجری، از جمله کسانی است که در بهره‌مندی از کتاب خدا و کلام معصوم گوی سبقت را از دیگران ربوده است. بهره‌گیری مولوی از احادیث نبوی و کتاب شریف نهج‌البلاغه به حدی است که او را از شاگردان ممتاز مکتب تشیع قرار می‌دهد. گویا رابطهٔ او با خاندان نبوت و عصمت از حد استاد و شاگردی گذشته و به مرحلهٔ مراد و مریدی رفعت یافته است.

بسیاری از فرهیختگان این مرز و بوم راه ارادت به آستان امیرمؤمنان علی (ع) پوییده؛ و برخی در قالب نقد و تفسیر اشعار مولوی عرض ارادت خود را به مقام مولا رسانده‌اند.

جناب آقای دکتر حسین رزمجو استاد دانشگاه فردوسی مشهد، با بهره‌گیری از قریحهٔ سراینده‌گری توانسته تفسیری از این کتاب مستطاب ارائه دهد. شیوهٔ استاد در این کتاب شرح اشعار مولوی به زبان شعر است که در نوع خود در ادبیات فارسی کم‌نظیر است.

کتاب ایشان در دوازده بخش و یک دیباچه تنظیم شده است. که در آن به ترتیب مباحث توحیدی، قرآن و عظمت آن از دیدگاه مولوی، انسان کامل، ستایش‌های حضرت محمد در مثنوی، سیمای امام علی در مثنوی، فرائض دینی در نظر مولوی، رخساره پیامبران الهی (اولوالعزم) در آینهٔ مثنوی، دیگر شخصیت‌های معروف مطرح شده در مثنوی، راز مرگ، رستاخیز و حیات باقی آن جهان، نیایش‌های ویژهٔ مولوی در مثنوی و بخش آخر هم معانی برخی واژگان و توضیحاتی دربارهٔ برخی اشعار به صورت پی‌نوشت آمده است.

یکی از برجستگی‌های مثنوی معنوی اشعار نغزی است که مولوی در بیان صفات و حالات

امیر مومنان سروده است.

بخش ششم کتاب «سیمای دینی و عرفانی مولوی در آینهٔ مثنوی معنوی» به بیان سیمای امام علی در آینهٔ مثنوی پرداخته است. دکتر رزمجو نگاه مولوی را به امام اینگونه سروده‌اند:

در حق شیر خدا مولا علی	هست دید عارف حق مولوی
کوست سرور بر همه اهل صفا	باب علم و جانشین مصطفی
پهلوان غزوهٔ بدر و حنین	زوج زهرا بوده و باب حسین
قهرمان عرصه خبیر که کند	درب آن دژ را و زین کردی بلند
در ثنای خود ز جبریل امین	آن ندا همراه صدها آفرین
«لا فتی الا علی» در روزگار	نیست چون شمشیر او در کارزار

(رزمجو، ۱۳۸۶، ۶۱۱)

دکتر رزمجو در اشعار خود جوانب گوناگون شخصیت برجستهٔ امیر مومنان را در نظر قرار داده‌اند. چنانکه با توجه به عبارت شیخ‌الرئیس ابو علی سینا که علی را در میان اصحاب پیامبر (ص) چون معقول در میان محسوس می‌پندارد، سروده‌اند:

آنچه خوبان راست از فهم و جمال	او به تنهایی است مالک در کمال
جمله عقل و دیده و هوش و ذکاوت	در دل شبها ز قول حق بکاست

(رزمجو، ۱۳۸۶، ۱۱۷)

مولوی خود در این باب چنین سروده‌است:

ای علی که جمله عقل و دیده‌ای	شمه‌ای وا گو ز آنچه دیده‌ای
تیغ حلمت جان ما را چاک کرد	آب علمت خاک ما را پاک کرد
بازگو دلم که این اسرار هوست	زانکه بی شمشیر کشتن کار اوست

(مثنوی، دفتر اول: ۳۷۴۵-۳۷۴۷)

... راز بگشا ای علی مرتضی	ای پس از سوء القضا حسن القضا
چون تو بایی آن مدینه علم را	چون شعاعی آفتاب حلم را
...باز باش ای باب رحمت تا ابد	بارگاه ماله کفوا احد

(همان، ۳۷۵۶؛ ۳۷۶۳-۳۷۶۵)

امامت علی (ع) در خامه دکتر رزمجو این چنین آمده است.

ساقی کوثر امام مومنان	رهبر و قائد برای انس و جان
حیدر و صفدر علی مرتضاست	او پس از سوء القضا حسن القضاست
آن امیر متقین و صالحین	آن که نبود مثل او در خاقین

(رزمجو، ۱۳۸۶، ۱۱۷)

مولوی نیز با اشاراتی بر امامت امام علی (ع) این گونه می‌سراید:

زین سبب پیغمبر با اجتهاد	نام خود وان علی مولا نهاد
گفت هر کو را منم مولا و دوست	ابن عم من علی مولای اوست

(مثنوی، دفتر ششم، ۴۵۳۸-۴۵۳۹)

مولوی در باب ولایت با بهره‌گیری از قرآن در ادامه ابیات فوق بحثی دربارهٔ مفهوم ولایت

مطرح می‌کند:

کیست مولا آنکه آزادت کند  
چون به آزادی نبوت هادی است  
ای گروه مومنان شادی کنید

بند رقیب ز پایت بر کند  
مومنان را ز انبیا آزادی است  
هم‌چو سرو سوسن آزادی کنید

(همان، ۴۵۴۰-۴۵۴۲)

نگارنده کتاب «سیمای دینی و عرفانی مولوی در آینه مثنوی معنوی» در باب کرامت و رحمت امام (ع) بر آدمیان چنین سروده است:

در سخاوت هم مروت بی همال  
مظهر اخلاص و پیمان و عمل

در شجاعت صاحب فر و جلال  
ذات پاکش دان منزله از دغل

(رزمجو، ۱۳۸۶، ۱۱۷)

در انتها با عنایت به شیوه مولوی در یادکردش از امام علی (ع) او نیز این‌گونه سروده است:

مولوی، از او در آثارش چنین  
باخضوع و کوچکی سائیده است  
در ثنا و حمد او داد سخن  
بایدی در حد پهنای فلک  
وی به یاری بیان و ذوق خویش  
تا که تفسیری کند زان آفتاب  
در خلال داستان های متین  
از علی گفتست و راز زندگیش  
اینک از آنها که اندر مثنوی  
با زبانی ساده اظهار و بیان

یادها کرده ست و بر خاکش جبین  
هم ز مظلومیتش نالیده است  
داده و گفته است او را صد دهن  
تا بگوید مدح آن رشح ملک  
کرده سعی و کوشش ز اندازه بیش  
شرح وصف او دهد روشن چو آب  
همره حمد و ثنا و آفرین  
سر محبوبیت و پایندگیش  
کرده آن غواص بحر معنوی  
باز گویم من در اینجا آنچنان

(همان، ۱۱۸)

گاه در اشعار مولوی عین عبارات حضرت امیر در نهج البلاغه را می‌یابیم. آنجا که امام می‌فرماید:

و قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِعْجَبُوا لِهَذَا الْإِنْسَانِ يَنْظُرُ بِشَحْمٍ، وَ يَتَكَلَّمُ بِلَحْمٍ. وَ يَسْمَعُ بِعَظْمٍ. وَ يَتَنَفَّسُ مِنْ حَرَمٍ!

«شگفتا از این انسان که با اندک پیهی بیند؛ و با تکه گوشتی گوید؛ و با قطعه استخوانی شود؛ و از درِ چه‌ای تنفس کند.» (حکمت: ۷)

مولوی درباره این شگفتی چنین سروده است:

گوشت پاره آلت گویای او  
مسموع او آن دو پاره استخوان  
پیه پاره منظر بینای او  
مدرکش دو قطره خون بین جان

(مثنوی، دفتر پنجم)

مولوی بسیاری از اندیشه‌های دینی و عرفانی خود را از نهج البلاغه وام گرفته است. در

مطالعه این وجه از اندیشه‌های او می‌توان تاثیر تفکر علوی یا به عبارتی تفکر شیعی را در اندیشه‌های مولوی به تماشا نشست.

امام علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید:

« خدا در مکانی جای ندارد تا نیاز به جابجایی داشته باشد»

مولوی می‌سراید:

خداوندا خداوند جهانی  
منزه پادشاهی بی‌نظیری  
خداوند زمین و آسمانی  
خداوند مکان و لا مکانی  
امام علی می‌فرماید:

لَا تُدْرِكُهُ الْعُيُونُ بِمُشَاهَدَةِ الْعَيْنِ وَ لَكِنَّ تَدْرِكُهُ الْقُلُوبُ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ قَرِيبًا مِنْ  
الْأَشْيَاءِ غَيْرِ مَلَامِسٍ بَعِيدٍ مِنْهَا غَيْرُ مَبِينٍ

«دیده‌ها او را آشکار نتواند دید؛ اما دل‌ها با ایمان بدو خواهد رسید. به هر چیز نزدیک است و نه بدان پیوسته؛ و از آنها دور است؛ نه جدا و گسسته.» (خطبه: ۱۷۸)

مولوی در این باره می‌گوید:

نور نور چشم خود نور دل است  
باز نور نور دل نور خداست  
نور چشم از نور دلها حاصل است  
کاو ز نور عقل و حس پاک و جداست

(مثنوی، دفتر اول، ۲۵۵۶-۲۵۵۷)

استاد رزمجو در تفسیر این مفهوم چنین می‌سراید:

نور او در آسمان‌ها و زمین  
نه‌ورا بیند همیشه چشم سر  
هست دائم منظر اهل یقین  
لیک او بیند سر و چشم بشر

(رزمجو، ۱۳۸۶، ۳۸)

قرآن در نگاه علی بن ابی‌طالب این‌گونه آمده است:

« همانا قرآن ظاهرش زیبا و باطن ان پرمایه و عمیق است. تاریکی‌های جهالت جز با قرآن برطرف نمی‌شود»

مولوی می‌گوید:

حرف قرآن را بدان که ظاهری است  
زیر آن ظاهر یکی بطن سوم  
زیر ظاهر، باطنی بس قاهریست  
بطن دیگر از نبی خود کس ندید  
تو ز قرآن ای پسر ظاهر مبین  
دیو آدم را بیند جز که تین

(مثنوی، دفتر سوم، ۴۲۴۴-۴۲۴۷)

نگارنده کتاب مورد بحث، در این باب این‌گونه می‌سراید:

معجزست قرآن و زین‌رو معجزست  
جن و انس و جمله ارباب ادب  
که چو آن نتوان بکرد و عاجز است  
جمع سازند و هم از اندازه بیش  
که نظیرش را بیازند وین عجب  
دفتری را خلق چون قرآن کنند!!  
مثل کار ایزد منان کنند

(رزمجو، ۱۳۸۶، ۵۳)

معرفی و بررسی  
کتاب سیمای  
عرفانی و دینی  
مولوی در آینه  
مثنوی معنوی

امام علی(ع) در مورد پیامبر اکرم می فرماید:

حَتَّى أَفْضَتْ كَرَامَةَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ إِلَى مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَأَخْرَجَهُ مِنْ أَفْضَلِ الْمَعَالِينِ مَنِيَّتًا وَ أَعَزَّ الْأُرُومَاتِ مَغْرِبًا مِنَ الشَّجَرَةِ الَّتِي صَنَعَ مِنْهَا أَنْبِيَاءَهُ وَ انْتَخَبَ مِنْهَا أَمَنَاءَهُ

«در آمدن پیامبران یکی پس از دیگری [تا اینکه تشریف بزرگواری از سوی خدای باری، به محمد(ص) رسید. و او را از بهترین خاندان و گرامی ترین دودمان برگزید. از درختی که پیامبران خود را از آن جدا کرد، و امینان خویش را از آن برگزید و بیرون آورد» (خطبه: ۹۴)

مولوی چنین می سراید:

نام احمد شد حصارى بس حصين

تا چه باشد ذات آن روح الامين

(مثنوی، دفتر اول، ۷۲۶)

نام احمد تام جمله انبیا است

چون که صد آمد نود هم پیش ماست

(مثنوی، دفتر اول،)

نگارنده این گونه می سراید:

مصطفی پیغمبر آخر زمان

او که هست انسان کامل در جهان

بلکه اکمل در صفات و ذات پاک

از جمیع کاملان بر روی خاک

هم ز افلاک و ملائک برتر است

صاحب تاج و لوا در محشر است

(رزمجو، ۱۳۸۶: ۷۵)

امام علی(ع) در مورد نماز می فرماید:

تَعَاهَدُوا أَمْرَ الصَّلَاةِ وَ حَافِظُوا عَلَيْهَا وَ اسْتَكْبِرُوا مِنْهَا وَ تَقَرَّبُوا بِهَا فَإِنَّهَا كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا

« کار نماز را بر عهده گیرید و نگاه داشت آن را بپذیرید؛ و آن را بسیار به جای آرید؛ و با نماز خود را به خدا نزدیک دارید؛ که نماز نوشته است بر مومنان به وقت آن.» (خطبه: ۱۹۰)

مولوی این مطلب را این چنین به سلک نظم درآورده است:

معنی تکبیر این است ای امیم

کای خدا پیش تو ما قربان شویم

وقت ذبح الله اکبر می کنی

همچنین در ذبح نفس کشتی

تن چو اسمعیل و جان همچو خلیلی

کرد جان تکبیر بر جسم نبیل

گشت کشته تن ز شهوتها و آز

شد به بسم الله کشته در نماز

(مثنوی، دفتر سوم، ۲۱۴۳-۲۱۴۶)

نگارنده کتاب سیمای عرفانی مولوی در آینه مثنوی معنوی، از زبان این عارف بزرگ درباره

فرائض، این گونه می‌سرایند:

هم زکات زر و مال و کشت و زاد  
حق مسکین است و نادار و فقیر  
کرده تا زانها شود بنیاد دین  
جاری احکام خدا گردد چو نهر و...

او نماز و روزه و حج و جهاد  
که به فرمان خداوند بصیر  
بس سفارش‌ها به انجامش چنین  
محکم و آباد و جاویدان به دهر

(رزمجو، ۱۳۸۶: ۱۲۶)

از این دست جملات نغز و اشعار نیکو در بهره‌گیری مولوی از کلام امام علی بن ابی طالب بسیار است که این مقال و این قلم را بیش از این گنجایش و بضاعت نیست. آنچه در این مختصر ارائه شد، گوشه‌هایی بود از تفسیرهای منظومی که استاد دکتر حسین رزمجو از مفاهیم دینی و عرفانی مثنوی معنوی بیان کرده‌است.

کتاب سیمای عرفانی مولوی در آینه مثنوی، در اواخر سال ۱۳۸۶ خورشیدی (۲۰۰۸م) به مناسبت یادمان سال مولانا جلال الدین محمد مولوی که از سوی سازمان یونسکو برای بزرگداشت آن عارف بزرگ و شاعر شهیر ایرانی برگذار شده بود؛ به زیور طبع آراسته شد. کوشش استاد فرزانه جنای آقای دکتر حسین رزمجو و زحمت ایشان در خور سپاس است. مطالعه این اثر را به طالبان کتاب‌های فاخر در حوزه ادبیات پارسی سفارش می‌کنیم.

معرفی و بررسی  
کتاب سیمای  
عرفانی و دینی  
مولوی در آینه  
مثنوی معنوی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی